



امکان تبدیل یک نیروگاه انرژی هسته ای صلح آمیز به نیروگاه تولیدی سلاح های نظامی هسته ای خطرناک، مانند آب خوردن آسان است.

از انتشارات بنیاد هانریش بل و بنیاد سبزه‌های اروپا، نوشته شده در ژانویه ۲۰۱۰ برگردان از انور میرستاری، عضو حزب سبزه‌های اروپا

۶ - سیاست منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای باراک اوباما - یک راه یابی متناقض

دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، یک نقطه عطف نوینی را در سیاست منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای و خلع سلاح های هسته ای نشان می دهد. اوباما در ۵ آوریل ۲۰۰۹، نزدیک به ۳ ماه پس از آغاز به کار، در سخنرانی خود در پراگ تأیید کرد که تمام علاقه اش، تلاش برای یک دنیای رها یافته از دام سلاح های هسته ای است. او به نام مردم آمریکا نیز قول داد که گام های لازم را بردارد. اوباما اعلام کرد که:

- نقش سلاح های هسته ای را در برنامه های راهبردی امنیت ملی آمریکا کاهش خواهد داد و به دیگران نیز چنین سفارشی را خواهد کرد.
- با روسیه پیمان جدید کاهش سلاح های راهبردی را در باره محدودیت و کاهش سلاح های اتمی دو کشور، خواهد بست.
- امضای پیمان ممنوعیت کامل آزمایش های هسته ای را بدون کوچکترین دیر کرد و با شدت بیشتری پیگیری خواهد کرد.
- به دنبال پیمان تازه ای خواهد بود تا در باره تولید مواد شکافنده منفجره ، روش های واریسی و پژوهش هایی به کار برده شوند که به موجب آن ها، استفاده این مواد در سلاح های نظامی دولت ها پایان یابد.
- بر پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای به عنوان پایه همکاری های مشترک تأکید خواهد کرد. او گفت، ما به «منابع و اقتدار» بیشتری برای تشدید بازرسی های بین المللی و به «عملیات فوری» در برخورد با کشورهای که قواعد را رعایت نمی کنند، نیازمندیم. ما «یک چارچوب تازه ای از همکاری های هسته ای صلح آمیز» به همراه یک انبار بین المللی سوخت برای نیروگاه های هسته ای می خواهیم که کشورها بتوانند، بدون افزایش خطر تولید سلاح های هسته ای، به آنجا

دسترسی داشته باشند.

در همان زمان اوپاما به روشنی تأکید کرد که هر دولت غیر هسته ای، بدون هیچ محدودیت زمانی، حق استفاده صلح آمیز فناوری را تا آنجایی که به وظایف خود در چارچوب تعهداتش نسبت به پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عمل می کند، دارد. این کار به نظر وی ترمزی در تغییرات آب و هوایی خواهد شد.

گفتار اوپاما به روشنی دارای این پیام بود که آمریکا آمادگی پذیرش یک سیاست چند جانبه خلع سلاح هسته ای را دارد. تاریخ و محتوی این سخنرانی، عامل های مهمی در تهیه متن کنفرانس بازنگری پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای در سال ۲۰۱۰ بودند. نباید اجازه داده می شد تا این برنامه هم، مانند ۵ سال پیش شکست بخورد. به همه موضوعات مهم پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای پرداخته شد و به اصول اساسی «معامله» دوباره تأکید شد: قدرتهای هسته ای باید خود را خلع سلاح کنند؛ کشورهای غیر هسته ای باید به کنترل های شدید منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای تن دهند.

دوباره حق استفاده صلح آمیز فناوری هسته ای همه اعضای که پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای را رعایت می کنند، تأیید شد. بنا به گفته اوپاما، ایالات متحده آمریکا برای ایفای نقش رهبری این راه، آمادگی خواهد داشت.

یک سال پس از آن، در آوریل ۲۰۱۰، اوپاما کوشش نمود اولین کارهای عملی انجام گرفته را معرفی کند و نشان دهد که به حرفهای خود جامه عمل پوشانده است. در مدت ۷ روز، او برنامه «بازنگری وضعیت هسته ای» - برنامه سیاست آینده آمریکا در زمینه نظامی - را امضا کرد. برای امضای «پیمان آغازی نو» با همتای روسی خود، دیمیتری مدودف، به پراگ بازگشت. سرانجام، او در باره امنیت هسته ای، کنفرانسی را در واشنگتن ترتیب داد که ۴۷ کشور در آن شرکت کردند. هدف هر یک از این سه پروژه، تشدید اجرای پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای بود. به راستی، آیا تا کنون چیزی از آنها نمود پیدا کرده است؟

۶.۱ - پیمان آغازی نو

در ۸ آوریل ۲۰۱۰، «پیمان آغازی نو» به امضا طرفین (آمریکا و روسیه - مترجم) رسید. بنا بر آن پیمان، بالاترین حد تعداد دستگاههای حمل کننده راهبردی (استراتژیک) هسته ای برای هر کدام از این دو کشور، ۸۰۰ دستگاه تعیین شد که تا ۷۰۰ دستگاه از آنها می‌توانند فعال باشند و تعداد کلاhek های به کار برده شده برای هر یک از کشورهای نامبرده ۱۵۵۰ دستگاه مقرر گردید.

واشنگتن و مسکو دوست داشتند تأکید کنند که بنابر نتیجه این پیمان جدید، نسبت به «پیمان سرآغاز» که مهلت آن در دسامبر ۲۰۰۹ به سر رسید، بیشتر از نیمی از تعداد دستگاههای دور برد موشک بر کاهش یافت. تعداد کلاhek ها به ترتیب ۷۴٪ و ۳۰٪ نسبت به «معاهده جدید مسکو»، به نام «پیمان خروج ۲۰۰۲»، باز هم پایین‌تر آمد. کاری که در نگاه نخست به عنوان یک تعهد تازه در خلع سلاح، خیلی بزرگ به چشم می

آید، اما در حقیقت گام کوچکی بیش نیست.

امروزه، نه روسیه و نه آمریکا دیگر آن ظرفیت و توانایی هسته ای را که پیمان پیشین «سرآغاز» اجازه می داد، ندارند. با مقایسه توان کنونی فعالیت‌های دو کشور، به خوبی دیده می‌شود که آمریکا باید در یک قلم، چندین دوجین از موشک بره‌های راهبردی خود را به چلنگرها سپرده و بیش از یک صد موشک دیگر را از دور خارج سازد. روسیه نباید کاری کند. این کشور با فرض داشتن فقط ۵۶۶ موشک فعال و آماده، اگر توان پرداخت هزینه‌ها را داشته باشد، حتی می‌تواند ۲۰۰ دستگاه دیگر را به زرادخانه خود بیافزاید.

وضعیت در باره کلاهک‌ها هم بدین منوال است: آمریکا در سال ۲۰۰۹، بنا به برآورد فدراسیون علمی آمریکاییان و شورای دفاع از منابع طبیعی کشور، ۲۲۰۰ کلاهک در روی دستگاه‌های عمل‌کننده فعال در نقاط مختلف جهان و در حدود ۱۵۰ دستگاه در انبار داشت. روسیه بین ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ کلاهک فعال داشت. در نگاه اول می‌توان تصور کرد که این پیمان کاهش‌ها جایگاه پراهمیتی دارند: اگر پایه حد مسلم ماکزیمم را ۲۲۰۰ کلاهک در سال ۲۰۱۲ بر طبق «پیمان خروج مسکو»، قرار دهیم، باید واشنگتن از ۶۵۰ دستگاه منفجره فعال و مسکو مینیمم از ۹۵۰ دستگاه چشم‌پوشی کند. اما ظواهر فریبنده هستند. ظاهراً این مرحله خلع سلاح، نباید بطور واقعی انجام گیرد، زیرا نتیجه بخش بزرگی از این اعداد دستکاری شده هوشمندانه، گول‌زننده هستند. یک تشریح «پیمان آغازی نو» به خوبی نشان می‌دهد:

بمب افکن‌های راهبردی، تنها یک بار به عنوان سلاح هسته ای، در آینده به حساب خواهند آمد، در حالی که در گذشته بر طبق «پیمان سر آغاز»، اگر آن‌ها موشک‌های کروزر حمل می‌کردند، به جای ۱۰ سلاح شمرده می‌شدند و اگر نمی‌توانستند غیر از بمب‌های اتمی چیزهای دیگری را حمل کنند، در آن صورت فقط یک سلاح به حساب می‌آمدند. «پیمان خروج مسکو» هیچ بازنگری را در این توافق‌ها نمی‌کند. در حقیقت، این بمب‌اندازها هر کدام می‌توانند ۶، ۱۲، ۱۶ و حتی ۲۰ سلاح را حمل کنند. این کار دو نتیجه دارد: اولاً، فقط باید چند صدتایی سلاح بر روی کاغذ و در حرف نبود شوند و دوماً، هر دو طرف اجازه نگهداری صدها سلاح بیشتر از ارقام رسمی ۱۵۵۰ کلاهک را دارند.

باید اضافه کرد که در واقع «پیمان آغازی نو»، مانند قرارداد پیشین خود، به تعداد کلاهک‌های هسته ای انفجاری که طرفین اختیار نگهداری آن‌ها را در انبارهای خود دارا هستند، سلاح‌هایی که توانایی تجدید فعالیت در مواقع بحرانی را دارند یا هنوز خنثی نشده‌اند، محدودیتی را تحمیل نمی‌کند. تازه، در گذشته تعداد این سلاح‌ها بیش از اندازه از تعداد مجاز آن‌ها بیشتر بود. در سال ۲۰۱۰، هر دو کشور روی هم رفته، خیلی بیش از ۲۰۰۰۰ سلاح اتمی خنثی نشده داشتند.

در ایالات متحده، الزامات محدودیت‌های خلع سلاح که به وسیله «پیمان آغازی نو» تعیین شده بودند، در چارچوب سیاست داخلی با دشواری انجام شدند.

بنا بر قانون بودجه سال ۲۰۱۰، کنگره به رئیس‌جمهور اختیارات محدودی برای مذاکرات در باره «پیمان آغازی نو» داد. برای مثال، دولت اوپاما اجازه نداشت هیچ قراردادی را که گسترش سیستم دفاعی ضد موشکی آمریکا و یا گسترش و استفاده سلاح‌های کلاسیک دوربرد را محدود می‌کند، ببندد. چون واشنگتن در نظر داشت موشک‌های کلاسیک دور برد زمینی یا دریایی بسازد، مذاکره‌کنندگان اوپاما خود را مجبور دیدند تا در

مذاکرات سیستم‌های موشکی راهبردی، رفتاری محافظه کارانه ای داشته باشند. بعلاوه، تصویب «پیمان آغازی نو» در سنا، حداقل به رأی ۸ سناتور از حزب جمهوری خواهان در حالی نیاز دارد که بسیاری از آنان از بیخ و بن با توافق نامه‌های کنترل سلاح ها مخالفند. باید دید که آیا این پیمان، علیرغم اینکه دست درازی ناچیز و قابل چشم‌پوشی به ظرفیت کنونی سلاح های هسته ای ایالت متحده دارد، اکثریت لازم دو سوم را برای تصویب در سنا بدست خواهد آورد؟

بی گمان برای بیشتر کشورهای عضو پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای، عرصه محدود شده تعهدات تازه خلع سلاح کافی نیست و بنا بر این به اندازه کافی متقاعدینی ندارند تا بتوانند قواعد خلع سلاح های هسته ای را در هنگام کنفرانس بازنگری، با قدرت به کرسی بنشانند.

۶.۲ - کنفرانس سران در باره امنیت هسته ای

در ۱۲ و ۱۳ آوریل ۲۰۱۰، باراک اوباما نمایندگان بین‌المللی ۴۷ کشور را برای یک کنفرانس امنیت هسته ای به واشنگتن دعوت کرد. هدف کنفرانس سران، یافتن راه و روشی بود که کشورهای شرکت کننده متعهد شوند برای کاهش یا حتی برای چشم پوشی کامل به کار گیری مواد شکافنده انفجاری نظامی در سرزمین های خودشان، قوانین امنیتی را شدیدتر کنند. کنفرانس یک بیانیه و یک برنامه کاری را تعیین کرد. از دیدگاه حقوقی، هیچ کدام از این اسناد اجباری نبودند، بلکه بیشتر به نمایش یک پندار نیک سیاسی می ماندند. توافق ها بر پایه‌های معاهداتی با سازش های آزادانه کشورهای عضو استوار بودند:

- تقویت توافق های بین‌المللی، مانند: پیمان های مواظبت عملی از مواد هسته ای، پیشگیری از اعمال آدم کشی های هسته ای با اقدام‌های سریع و رضایت بخش و همچنین مورد تشویق قرار دادن جهانی شدن این قوانین. این امر در باره قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل هم که نگهداری سلاح های کشتار دسته‌جمعی در خارج از دسترس نیروهای غیر دولتی، از جمله یکی از کارهای آن می باشد، نیز درست است.
- انجام و تقویت تعدادی از اقدام‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بهتر شدن امنیت مواد هسته ای و تأسیسات مربوطه، مانند: تعبیر کنونی بخشنامه ۲۲۵، برنامه امنیت هسته ای ۲۰۱۰ - ۲۰۱۳ و دستورات جدید برای سیستم های حسابرسی مواد هسته ای این تأسیسات.
- تأمین امنیت مواد هسته ای، به ویژه آن دسته از مواد هسته ای که در سلاح ها به کار برده می شوند. مانند جا اندازی و راه اندازی تأسیسات بر طبق اصول و دور از دسترس عوامل غیر دولتی نگهداشتن اطلاعات و فناوری های ابزار های هسته ای که دارای مصارف خطرناکند.
- تشویق قواعدی موافق تأمین امنیت و ممنوعیت اورانیوم بشدت غنی شده و پلوتونیوم جدا شده (پلوتونیوم نظامی و پلوتونیوم راکتوری)، تشدید انبار سازی این مواد، تشویق تبدیل اورانیوم بشدت غنی شده به راکتورهای اورانیوم فقیر در زمانیکه این کار از لحاظ فناوری و اقتصادی ممکن باشد، هم چنین در صورت امکان، جایگزینی اورانیوم بشدت غنی شده با مواد دیگر.
- تلاش کردن برای پایان دادن به قاچاق هسته ای و بهبود بخشیدن سیستم تبادل اطلاعاتی، مانند کسب مهارت در بخش داروهای قانوناً وابسته به انرژی هسته ای.

- بهتر کردن قواعد بهره برداری درست از منابع مربوط به رادیولوژی و در نظر گرفتن مراحل جدیدی در همین زمینه.

کنفرانس سران در باره امنیت هسته ای، به روند مطلوب یک همکاری دنباله دار میدان خودنمایی داد. باید یک نشست سران در دو سال دیگر در سئول تشکیل شود. نشست به باراک اوباما اجازه داد تا آمادگی خود را برای اقدامات منع تولید سلاح های هسته ای کاملاً چند جانبه، اعلام کند و به همگان بفهماند که بر عکس همتای پیشین خود، جرج بوش، قصد پیگیری یک اقدام یک جانبه ای را ندارد. بالاخره می توان گفت که پیام کنفرانس سران به همه اعضای پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای این بود که توجه به امنیت مواد هسته ای و تأسیسات مربوطه در تعداد بسیار زیادی از کشورها اهمیت پیدا کرده است. با وجود این، کنفرانس موجب پیدایش یک اقدام اساسی تازه ای نشد.

این کنفرانس سران در هر صورت دارای یک نشان خیلی دو پهلو بود: دولت اوباما - مانند در «باز نگری در موضع هسته ای» خودش - به روشنی ایجاد مانعی در سر راه تلاش های آدم کشان برای دستیابی به مواد هسته ای، فناوری ها و حتی به سلاح ها را در سرلوحه تمام منطق خود قرار داد. اگر این تهدیدات در سر فصل بررسی خطرات احتمالی قرار می گرفتند و اگر بر منطق لزوم روند تعهد داوطلبانه کشورها در این راه اهمیت داده می شد، در این صورت کسب حمایت تعداد زیادی از حکومت ها نسبتاً آسان تر می شد یا حد اقل، رد آن را برایشان سخت تر می کرد. اما سکه روی دیگری هم دارد: اینکه تروریست ها کوشش می کنند به مواد هسته ای دسترسی یابند تا بتوانند آنها را در ساخت سلاح هایی به کار برند، دارای خطرانی خیلی کم تر از تلاش های مشابه حکومت ها است. اگر بر اجرای عملی همه اظهارات داوطلبانه و گفته های دست اندرکاران دولت ها در زمینه های پای بندی بر تعهداتی که اغلب این دولت ها، خودشان هم آن قوانین را تأیید و تصویب کرده اند یا به آنها باور دارند، بطور مداوم پافشاری شود، می بایست انتظار داشت که بعضی از مسئولان دولتی گمان کنند که چنین درخواست های مصرانه، تبعیض آمیزند.

از کسانی که دوست دارند، بخش های پیشین این نوشته را داشته باشند، خواهش می شود با آدرس زیر تماس

بگیرند

europers@gmail.com